

تأثیر سبک معماری بر ارتقای حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های روستایی (مورد شناسی: دهستان کارده شهرستان مشهد)

علی اکبر عنابستانی* (استاد گروه جغرافیای انسانی و آمایش - دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)
امین فعال جلالی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی - دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

چکیده

انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود دست یابد. حس تعلق به مکان یکی از واکنش‌های احساسی و عاطفی انسان نسبت به محیط است که فرد را به مکان پیوند داده و هویت شخص و مکان را شکل می‌دهد. حس تعلق به مکان، پیوندی محکم بین فرد و مکان ایجاد کرده و افراد خود را با مکانی که به آن تعلق دارند می‌شناسند. نوع معماری مسکن روستایی و سبک آن‌ها با ساختارهای اجتماعی-اقتصادی خاص خود به‌عنوان مناطق متمایز از شهرها مطرح بوده و می‌توانند باعث شکل‌گیری احساس تعلق مکانی برای ساکنان خود و هویت مستقل شوند. هدف از انجام این تحقیق بررسی این فرض است که سبک معماری در محیط‌های روستایی می‌تواند افزایش احساس تعلق و وابستگی به مکان را به‌دنبال داشته باشد. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است که بخش عمده داده‌های آن از طریق تنظیم پرسشنامه بین ۱۷۵ خانوار روستایی در دهستان کارده شهرستان مشهد جمع‌آوری شده‌است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تی-تک‌نمونه‌ای، رگرسیون و معادلات ساختاری (Smart PLS) استفاده شده‌است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عوامل مختلفی، از جمله: اقلیمی، زیبایی‌شناسی، امنیت و... بر تعلق مکانی اثرگذار بوده‌است که براساس مدل مربعات ساختاری، مشخص شد که متغیرهای آسایش اقلیمی با ضریب اثر ۲۱/۵۷، ایمنی و امنیت ۱۳/۸۱، سازگار و انطباق ۴/۵۱ و زیبایی‌شناختی با ضریب اثر ۳/۶۷ به ترتیب بیشترین اثر را از بین عوامل مختلف بر افزایش احساس تعلق مکانی روستائیان داشته و متغیرهای اجزای تشکیل‌دهنده بنا، اعتقادات و عقاید، معماری و ساخت درونی، نیازهای انسانی و کیفیت مسکن کمترین اثرگذاری را بر احساس تعلق مکانی گذاشته‌اند.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۷ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۰ اسفند ۱۳۹۹

صفحات: ۴۲-۲۱



کلید واژه‌ها:

سبک معماری، احساس تعلق مکانی،
هویت مکانی، دهستان کارده، شهرستان
مشهد.

* نویسنده مسئول: دکتر علی اکبر عنابستانی

پست الکترونیک: a_anabestani@sbu.ac.ir

مقدمه

ادبیات مرتبط با مکان، مفهوم مکان اغلب بر حس تعلق یا وابستگی به یک مکان تأکید دارد (Knox & Pinch, 2000). رلف جغرافی‌دان پدیدارشناس در تعریف مکان تأکید می‌کند که مکان‌ها بر خلاف فضا انتزاعی نبوده، بلکه مفاهیمی هستند که به‌طور مستقیم از جهان تجربه می‌شوند؛ بنابراین مکان‌ها سرشار از معانی، چیزهای واقعی و فعالیت‌های جاری در آن‌ها هستند. در واقع از تعریف رلف این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که یک مکان واقعی، فضایی است که تحت‌الشعاع معانی آن قرار دارد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

نواحی روستایی یکی از مکان‌هایی است که درصد زیادی از بناها دارای سبک معماری خاص و مبتنی بر طبیعت بوده و بر زندگی روستائیان اثرگذار بوده‌است (Shamai, 1991: 61)؛ چراکه خانه‌های روستایی عمدتاً با توجه به دانش بومی و محلی طراحی شده‌اند و از منابع محیطی در ساخت آن‌ها استفاده شده‌است. معماران سنتی بومی به‌خوبی شرایط سکونت در منطقه و کیفیت‌های آن را می‌شناسند و در عین تأمین سرپناه، با ایجاد احساس رضایت خاطر ساکنان خود، مفهوم سکونت را در ذهن آنان ایجاد می‌کنند، اما امروزه با ساختمان‌ها و شیوه‌ای از زندگی جایگزین شده‌اند که با ماهیت زندگی روستایی سازگاری چندانی ندارند (زرگر و همکاران، ۱۳۹۶: ۵). ساختارهای معماری محیط‌های روستایی در طول قرن‌ها مطابق با ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی و محیطی شکل گرفته و تحول پیدا کرده‌اند (Carmona, 2010)؛ به‌نحوی که مورفولوژی و الگوهای فضایی معماری روستا به‌تدریج در راستای برآورد نیازهای اجتماعی-فرهنگی جمعیت ساکن (پاسخگویی به نیاز سکونت، تأمین امنیت، حریم خانوار و نظام تولیدی) و در تعامل با محیط شکل گرفته‌است (Cuthbert & Alexander, 2006).

امروزه یکی از اصول توجه به پایداری در نواحی مختلف، این است که ساکنان این مناطق به محل زیست و فعالیت خود تعلق خاطر داشته باشند (Uzzell, 2002). حس تعلق به مکان یا مفهوم حس مکان به‌معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات آگاهانه آن‌ها از محیط است. این حس، عاملی است که موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود (Gustafson, 2009). حس تعلق به مکان، علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی نسبت به یک محیط می‌شود، باعث دستیابی به هویت برای افراد نیز می‌شود (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۲). احساس تعلق به مکان در بافت‌های سکونتی همواره مهم‌ترین عامل برای پایداری آن، چه به‌لحاظ کالبدی و فعالیتی و چه از نظر معنایی و خاطره‌ای افراد بوده‌است؛ چراکه مکان فضایی هویت‌ساز، نسبی و تاریخی است که هرگز به‌طور کامل از میان نمی‌رود و از بین رفتن نام مکان هیچ‌گاه به‌طور کامل تحقق نمی‌یابد (Canter, 1977: 173).

حس تعلق به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود (Cameron & MacDougall, 2000). در واقع حس تعلق در محیطی یافت می‌شود که دارای شاخصه‌های کالبدی، مانند: مصالح، شکل، بافت و رنگ؛ شاخصه‌های اجتماعی، مانند: سلامت روان و رضایتمندی (Choenarom et al, 2005) و شاخصه‌های فردی، مانند: سن، طول مدت اقامت، جنسیت و... است (Brown et al, 2004). در بسیاری از مناطق مسکونی احساس تعلق ساکنان به مکان، تا حد زیادی سبب پایداری جمعیت آن می‌شود (امامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). در بسیاری از

معماری روستایی در قالب این سنت‌ها ادراکی از جهان است که به وضوح دیده می‌شود و دارای خطوط ارتباطی مستقیم، بلاواسطه و محکمی با فرهنگ توده‌ها و زندگی روزمره آن‌ها است. در واقع وقتی اقدام به مشاهده و مطالعه این بناها می‌کنیم، به نظر ساده و ابتدایی می‌رسند؛ ولی واقع امر این است که این بناها توسط مردمی ساخته شده‌اند که هوش و همه ظرفیتشان را برای ساختن آن‌ها به کار گرفته‌اند و از همه روابط موجود بین خودشان در ساختن آن‌ها استفاده کرده‌اند و این نوع از سبک معماری مسئله‌ای است که سبب افزایش حس تعلق به مکان در اغلب نواحی روستایی می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱).

هدف از انجام این تحقیق تبیین شاخصه‌های تأثیرگذار بر میزان احساس تعلق به مکان در سکونتگاه‌های روستایی دهستان کارده در شهرستان مشهد به عنوان یکی از مناطقی که تاکنون از سبک زندگی شهری اثرپذیری کمتری داشته‌اند، است. همچنین هدف دیگر پژوهش حاضر بررسی میزان اثرگذاری سبک معماری بر احساس تعلق مکانی در روستاهای دهستان کارده بوده است؛ بنابراین، با توجه به مطالب، پرسش اصلی تحقیق به شرح زیر مطرح است:

چه عواملی بر ارتقای احساس تعلق مکانی در روستاهای دهستان کارده اثرگذار بوده است؟

سبک معماری موجود در سکونتگاه‌های روستایی دهستان کارده به چه میزان بر ارتقای حس تعلق مکانی ساکنان این محدوده اثرگذار بوده است؟

تحلیل فضایی اثرگذاری سبک معماری بر احساس تعلق مکانی در دهستان کارده چگونه است؟

مبانی نظری تحقیق

در گذشته بسیاری از جغرافی‌دانان، هدف و موضوع اصلی جغرافیا را مطالعه مکان و فضا می‌دانستند، ولی

امروزه بسیاری به اهمیت فضا و مکان در فرایندهای اجتماعی توجه و آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند. این چرخش را می‌توان در آثار علمی گیدنز، فوکو، بوردیو، لوفور، هاروی، گریگوری، سوگا و دیگران مشاهده کرد (رضوانی و احدی، ۱۳۸۸: ۴۶). مقصود از مکان، جای خاصی است در سطح زمین که محدود به موقعیتی است با هویت و شناسایی‌شدنی که ارزش‌های ویژه و معین به خود را دارد (Hamilton, 2002: 155). مکان علاوه بر بُعد مادی، از بُعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به واسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده و منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود؛ این نیروی معنوی حس مکان نامیده می‌شود. حس مکان از اصطلاحاتی است که به صورت آزادانه در رشته مختلف علوم انسانی، علوم اجتماعی، مقدمه آموزش و جغرافیا استفاده می‌شود (Semken & Freeman, 2008: 110).

یکی از انواع مهم حس تعلق، حس تعلق مکانی یا تعلق اجتماع محلی است که از اهمیت بالایی برخوردار بوده و به دل بستگی افراد به مکان‌ها و محل زندگی اشاره دارد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های احساس تعلق مکانی اشاره شده است.

تعلق مکانی را می‌توان در قالب ۴ بُعد زیر معرفی کرد:

الف) هویت مکانی: هویت مکانی به جنبه ذهنی رابطه بین انسان و مکان اشاره دارد و اینکه چگونه مکان به هویت خود فرد کمک می‌کند (Payton, 2003: 8). از نظر پروشانسکی، مفهوم هویت مکانی به آن دسته از ابعاد خویشتن اشاره دارد که هویت فردی اشخاص را در رابطه با محیط فیزیکی‌شان تعریف می‌کند. واژه هویت دو معنی می‌دهد: اول همسانی و دوم تمایز؛ بنابراین هویت مکانی باید هر دو جنبه را با هم ترکیب کند. در هویت مکانی، مکان وسیله‌ای است که فرد خودش را از دیگران (افراد خارج از مکان) متمایز می‌سازد و نیز حس همسانی خود را با افراد داخل

زیادی مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعات حاکی از آن است که پیوند اجتماعی با دوستان و خویشاوندان یکی از منابع مهم و پایدار تعلق مکانی است. همچنین هیدالگو و هرناندز در مقایسه پیوندهای فیزیکی و اجتماعی با محیط دریافتند که پیوندهای اجتماعی نسبت به تعلق فیزیکی در شرایط فضایی مختلف قوی‌تر عمل می‌کند (Roncato, 2006: 25).

با توجه به مطالعات صورت گرفته، می‌توان عنوان کرد که بررسی بر روی موضوع سبک معماری مسکن روستایی و تأثیر آن بر احساس تعلق به مکان در روستاها از سوی جغرافی دانان، یک موضوع جدید است و سایر مطالعات صورت گرفته که در راستای این موضوع می‌گنجد، به صورت پراکنده به آن پرداخته‌اند که به طور خلاصه به بخشی از آثار داخلی و خارجی در این رابطه اشاره شده است.

در زمینه عوامل مؤثر بر احساس تعلق به مکان، تحقیقات زیادی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به جوادی (۱۳۸۹)، جوان فروزنده و مطلبی (۱۳۸۹)، احمدی و مهدوی (۱۳۹۶)، معصومی و طالقانی (۱۳۹۴) و خسروشاهی و بلیان اصل (۱۳۹۴) اشاره داشت که به این نتیجه رسیدند که همبستگی بالایی بین افزایش احساس تعلق مکانی و پیوندهای اجتماعی، اقتصادی، عوامل فضایی و کالبدی محیط، فرم محیط و ویژگی‌های ظاهری مسکن (رنگ بنا، قدمت، شکل، مقیاس و...) و روابط اجزای کالبدی وجود دارد. همچنین در رابطه با عوامل کالبدی بنا و تأثیر آن بر افزایش احساس تعلق به مکان مطالعاتی انجام شده است که در این بین مطالعات حیدری و همکاران (۱۳۹۳)، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۵)، اسکتی (۱۳۹۶)، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۶) و زرگر و همکاران (۱۳۹۶) نشان می‌دهند که سبک معماری می‌تواند به گونه‌ای مؤثر در افزایش حس تعلق ساکنان نقش داشته باشد. رضایی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان می‌دهند که حس تعلق از

مکان حفظ می‌کند (Lewicka, 2008: 211). هویت مکان از نظر پروشانسکی عبارت است از آن ابعاد خویشتن که در ارتباط با محیط فیزیکی از طریق الگویی از عقاید، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها و اهداف به وجود می‌آید و توسعه می‌یابد. این یک پدیده دینامیک است که از طریق تجربیات زندگی به وجود می‌آید و تبدیل می‌شود (Manzo & Parkins, 2006: 337).

(ب) وابستگی مکانی

وابستگی مکانی دومین بُعد هویت مکانی است. اسکلز و شوماخر (۱۹۸۵) مفهوم وابستگی مکانی را به عنوان شکلی از تعلق تعریف کرده‌اند که با پتانسیل مکان خاص برای ارضای نیازها و اهداف افراد و سنجش اینکه مکان حاضر در مقایسه با سایر مکان‌های موجود چه شرایط قابل دسترسی برای ارضای همان نیازها در اختیار دارد، اشاره می‌کند (Williams et al, 31: 1992). به زبان ساده، این بُعد ناظر بر این است که فرد مکان را آن روی انتخاب کرده که نسبت به سایر مکان‌های موجود بیشتر انتظارات و نیازهای او را برآورده می‌ساخته است.

(پ) تعلق عاطفی

تعلق عاطفی را می‌توان تعلق احساسی و هیجانی به محیط و زمینه خاصی دانست. توان (۱۹۷۷) عقیده داشت که هیجانان به همه تجربیات فرد متصل است؛ تجربیاتی که با جهان فیزیکی مواجه است. در کل تعلق عاطفی ناظر بر پاسخ‌های احساسی به زمینه و شرایط محیطی است (BROCATO, 2007: 25).

(ت) پیوندهای اجتماعی

مکان‌ها فقط شامل محیط فیزیکی نیستند. مردم خود جزئی از مکان‌اند؛ بنابراین یکی از ابعاد حس مکان، تعلق فرد به مردمی است که در آن مکان زندگی می‌کنند. در واقع مکان‌ها مخازنی هستند که ارتباطات بین فردی، اجتماعی و فرهنگی در آن رخ می‌دهد. اهمیت پیوندهای اجتماعی در مکان‌ها توسط محققان

این معماری، فعالیتی در جهت ترمیم، بازسازی و تجدید سیستم‌های طبیعی و زمین و همچنین استفاده محتاطانه از منابع چرخه حیات در طبیعت داشته است تا بتواند محیط مناسبی برای زندگی انسان به‌عنوان ارگانیسم زنده دیگری فراهم کند (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۸).

بدون احتساب فواید ساخت مسکن روستایی به سبک امروزی، الگویی از ساخت مسکن در روستاهای کشور بدون همخوانی با شرایط جغرافیایی و فرهنگی روستاها پیاده و اجرا می‌شود که در بسیاری از موارد نتوانسته آن‌گونه که باید نیازمندی‌های ساکنان آن را برآورده سازد (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷: ۴۶).

مواد و روش‌ها

روش‌شناسی

از آنجایی که موضوع پژوهش، تعیین اثرگذاری سبک معماری بر حس تعلق مکانی است، از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، توصیفی و پیمایشی است. پس از تدوین شاخص‌ها براساس مبانی نظری، پرسشنامه‌ای محقق ساخته بر مبنای طیف آماری لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) تهیه و براساس حجم نمونه‌گیری در فرمول کوکران (با فرض خطای ۰/۰۷)، به منظور گردآوری اطلاعات، از کل جامعه آماری که برابر با ۱۶۲۶ خانوار بود، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای (روستاهای دهستان متناسب با جمعیت‌شان به‌عنوان یک خوشه در نظر گرفته شدند) و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۷۵ خانوار در بین روستاهای دهستان کارده (۱۵ روستا) انتخاب و با استفاده از قاعده تسهیم به نسبت تعداد پرسشنامه‌ها متناسب با جمعیت خانوار هر روستا توزیع و اطلاعات پرسشنامه تکمیل شد. برای تعیین پایایی سؤال‌های پرسشنامه، از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج این آزمون نشان

ویژگی‌های محیط طبیعی (جنس زمین، شیب و اقلیم) و فعالیت‌های اجتماعی (اشتغال، فرهنگ و مذهب) در محیط، اثرپذیر است. پیتون (۲۰۰۳) نشان داد که ارتباط معناداری بین مؤلفه‌های منابع محیطی و اجتماعی و میزان حس تعلق مکانی وجود دارد. بروکاتو (۲۰۰۷) در تحقیق خود نشان می‌دهد عوامل و شرایط محیطی، کیفیت و سطح رضایت از خدمات در میزان حس تعلق مکانی افراد تأثیرگذار است. مرور مطالعات و نظریه‌های موجود در زمینه حس تعلق مکانی بیانگر آن است که محیط و کالبد علاوه بر پیام‌های فیزیکی شامل پیام‌ها و معانی است که بر روی احساسات افراد، توقعات و انگیزه‌های آن‌ها اثرگذار است. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت از محیط به دست می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود که به‌عنوان عاملی مهم در هماهنگی بین فرد با محیط و ایجاد احساس تعلق او به مکان و درنهایت تداوم حضورش در آنجا شمرده می‌شود.

سبک معماری روستایی

روستائیان معماری را با آگاهی نسبت به محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و با بصیرت، نسبت به هستی و طبیعت طراحی می‌کنند و می‌سازند. هماهنگی در اجزا و با طبیعت و محیط پیرامون، از رمزهای معماری روستایی به شمار می‌آید (نصر، ۱۳۸۵). این بناها در نگاه اول ساده و ابتدایی به نظر می‌رسند؛ ولی در واقع از همه روابط موجود بین خودشان و محیط پیرامون، از جمله شرایط اقلیمی، جغرافیایی، نیازهای انسانی و حتی نوع مخاطرات در ساختن آن‌ها استفاده کرده‌اند (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۷). می‌توان گفت که معماری بومی دارای خطوط ارتباطی مستقیم، بی‌واسطه و محکمی با فرهنگ توده‌ها و زندگی روزمره آن‌هاست و با مردم و محیط همزاد و همساز است (ناظر، ۱۳۹۲: ۵).

تشکیل دهنده بنا، کیفیت مسکن، نیازهای انسانی، کیفیت عملکردی و اعتقادات و عقاید دسته‌بندی شده‌است. در نهایت اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از روش‌های آماری آزمون تی تک‌نمونه‌ای مستقل، تحلیل میانگین‌ها و روش تحلیل معادلات ساختاری، پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها در SPSS مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند گرفت؛ بنابراین از نرم‌افزارهای Spss و Smart PLS استفاده خواهد شد و برای سنجش همبستگی و اثرگذاری، مؤلفه و شاخص‌های بررسی سبک معماری در مسکن روستایی، به‌عنوان متغیر مستقل و احساس تعلق مکانی اظهارشده از سوی ساکنان به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌است.

می‌دهد که پس از حذف تعدادی از سؤالات ناسازگار، پایایی کلی گویه‌ها برابر با ۰/۸۹ است که در سطح مطلوب قرار دارد. همچنین مقدر آلفای کرونباخ به‌صورت مجزا در متغیرهای وابسته و مستقل محاسبه شد که مشخص شد مقدار پایایی به‌دست‌آمده برای متغیر وابسته (احساس تعلق مکانی)، ۰/۸۲ و برای متغیر مستقل (سبک معماری)، ۰/۸۰ است. شاخص‌های متغیر احساس تعلق مکانی به سه قسمت عوامل ادراکی و شناختی فرد، عوامل محیطی-کالبدی و عوامل اجتماعی دسته‌بندی شده‌اند و شاخص‌های سبک معماری آسایش اقلیمی، ایمنی و امنیت، سازگاری و انطباق، سازماندهی فضایی، زیبایی‌شناختی، معماری و ساخت درونی، اجزای

جدول ۱. شاخص‌ها و مؤلفه‌های متغیر احساس تعلق مکانی

شاخص	مؤلفه‌ها	زیرمؤلفه‌ها	آلفای کرونباخ
عوامل ادراکی و شناختی فرد	احساس رضایتمندی	افزایش وفاداری، احساس افتخار نسبت به محل زندگی، انطباق با تصاویر ذهنی از محل زندگی، پیوند فرد با مکان	۰/۷۷
	احساس تعلق خاطر	افزایش میزان دلبستگی و تعهد به محل زندگی	۰/۶۰
عوامل محیطی-کالبدی	سلامت روان	بالا بودن احساس امنیت در محل زندگی	۰/۴۵
	احساس بارز بودن	یکی بودن با فرهنگ و نمادها، نفوذپذیری مسکن، تنوع بصری	۰/۸۹
عوامل اجتماعی	عوامل اجتماعی	ایمنی و امنیت، فعالیت‌های گروهی، پذیرش اقبال مختلف	۰/۸۹

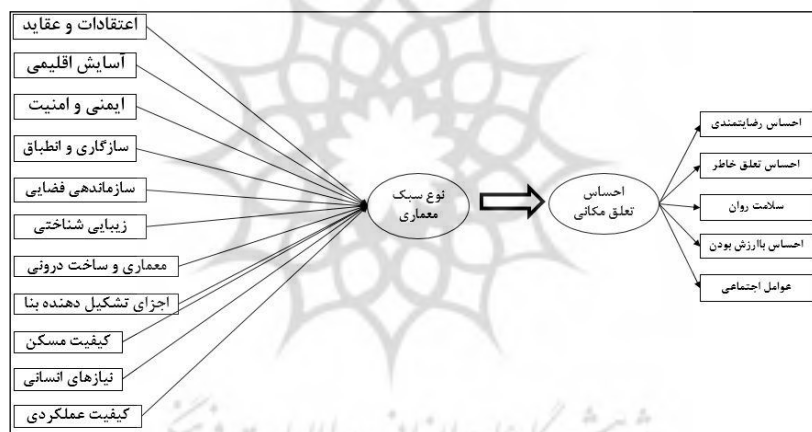
(منبع: فلاحت (۱۳۸۵)، فروزنده و مطلبی (۱۳۸۹)، مطلبی (۱۳۸۵)، ملکی و همکاران (۱۳۹۳)، سرمست و متوسلی (۱۳۸۹)، قادرمزنی (۱۳۹۲)، زرگر و همکاران (۱۳۹۶)، سرتیپی پور و اسدی (۱۳۹۷)، ایوبی (۱۳۹۴).

جدول ۲. شاخص‌ها و مؤلفه‌های متغیر سبک معماری

شاخص	مؤلفه‌ها	آلفای کرونباخ	زیرمؤلفه‌ها
آسایش اقلیمی	دما	۰/۶۶	میزان رضایت از ایمن بودن مسکن در برابر گرما و سرما
	رطوبت		میزان رضایت از عدم نفوذ رطوبت به داخل مسکن
	تابش		میزان رضایت از تابش خورشید به داخل مسکن
ایمنی و امنیت	آلودگی هوا	۰/۷۰	میزان رضایت از عدم نفوذ بوی نامطبوع
	امنیت اجتماعی		میزان رضایت از امنیت در برابر سرقت و دید
	امنیت فیزیکی		میزان رضایت از ایمنی و مقاوم‌سازی، طراحی مهندسی، وجود راه فرار و مصالح مقاوم
سازگاری و انطباق	مخاطرات	۰/۵۸	میزان رضایت از ایمنی در برابر مسیله‌ها
	سازگاری محیطی		میزان رضایت از سازگاری در برابر عوامل زمین‌شناسی و باد
	سازگاری اجتماعی		سازگاری با فرهنگ بومی روستا، مطلوبیت شرایط کلی روستا، میزان رضایت از

راه‌های ارتباطی، فضاهای درون مسکن و نحوه ساختار فضایی			
میزان روابط، انسجام درونی و گشودگی فضایی	۰/۵۰	سازماندهی فضایی	سازماندهی فضایی
بافت، طراحی مسکن، مصالح، تزئینات درونی و نقش‌های برجسته	۰/۶۵	عناصر ظاهری مسکن	زیبایی‌شناختی
میزان رضایت از فضای سبز		فضای سبز	
کاربرد دانش بومی در طراحی بیرونی		دانش بومی	
میزان سازگاری با ارتفاع، یکپارچگی در محیط درونی	۰/۷۰	معماری اتاق‌ها	معماری و ساخت درونی
رضایت از فضای پذیرایی از مهمان		پذیرایی از مهمان	
رضایت از سبک احداث انبار، بهار خواب، تراس، تولیدی	۰/۷۴	فضاهای کاربردی	اجزای تشکیل‌دهنده بنا
میزان برآورده شدن نیاز، میزان خاطره‌انگیز بودن	۰/۸۱	هویت بومی	کیفیت مسکن
آرامش روانی، حفظ ارزش‌ها، نیازهای مادی و انطباق مسکن با سبک زندگی	۰/۷۵	حفظ ارزش‌ها	نیازهای انسانی
ایجاد یکپارچگی بصری و داشتن حیات	۰/۷۷	عناصر ظاهری	کیفیت عملکردی
رضایت از استفاده از انرژی‌های پایدار و حفاظت از محیط‌زیست		سازگاری محیطی	
سازگاری با عقاید دینی و مراسم‌های مذهبی	۰/۷۴	آداب و رسوم مذهبی	اعتقادات و عقاید

(منبع: میرغلامی و آیشم (۱۳۹۵)، فروزنده و مطلبی (۱۳۸۹)، نادى (۱۳۹۱)، نصیری (۱۳۹۴).)



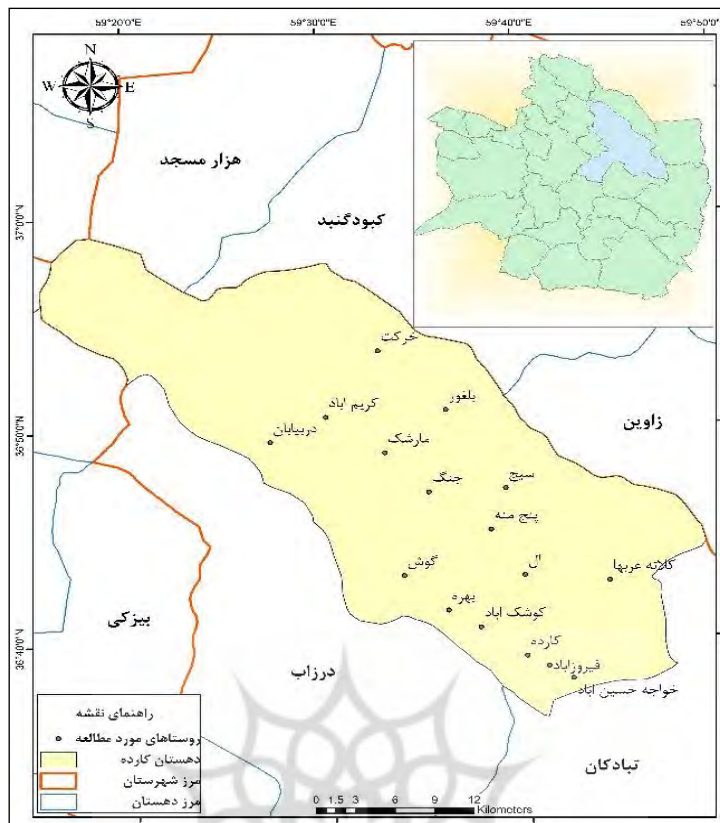
شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰)

محدوده مورد مطالعه

معماری قدیمی و خاص و استفاده از الگوهای فرهنگی محلی در ساختمان از نظر استفاده از مصالح طبیعی در ستون‌ها، نمای بیرونی ساختمان و طراحی داخلی منزل به سبک بومی (طراحی اتاق، بهار خواب، فضاهای باز درون منزل و...)، نوعی فضای درونگرا دارد که سبک شکل‌گیری سبک خاصی از معماری در بین روستاهای اطراف شده‌است.

جامعه آماری این تحقیق را خانوارهای روستایی دهستان کارده در بخش مرکزی شهرستان مشهد تشکیل داده‌است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تعداد خانوارهای این دهستان برابر با ۱۶۲۶ خانوار (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) است که تعداد کل نمونه‌ها برابر با ۱۷۵ خانوار بوده‌است. روستاهای این دهستان با توجه به برخورداری از سبک



شکل ۲. محدوده روستاهای مورد مطالعه
(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰)

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های فردی پاسخگویان

از نظر بررسی ویژگی‌های توصیفی مشخص شد که ۵۶/۸ درصد پاسخ‌دهندگان را مردان و ۴۲/۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند که از این میان ۸۸/۹ درصد متأهل و ۱۱/۱ درصد را افراد مجرد تشکیل می‌دهند. همچنین مشخص شد که ۸/۶ درصد از پاسخگویان در گروه سنی کمتر از ۲۰ سال، ۲۵/۹ درصد بین ۲۰ تا ۴۰ سال، ۴۸/۸ درصد بین ۴۰ تا ۶۰ سال و ۱۶/۷ درصد بیش از ۶۰ سال هستند. از نظر سطح تحصیلات نیز ۲/۵ درصد ابتدایی، ۱۸/۵ درصد راهنمایی، ۴۰/۱ درصد دیپلم، ۳۱/۵ درصد فوق دیپلم، ۶/۸ درصد لیسانس و ۰/۶ درصد دارای مدرک بالاتر از لیسانس بوده‌اند. در بخش اطلاعات شغلی، حدود ۱۸/۵ درصد در بخش کشاورزی، ۱۷/۹ درصد در بخش صنعت،

۴۸/۸ درصد خدمات و ۱۴/۸ درصد مشاغل آزاد یا سایر را به خود اختصاص داده‌اند که درآمد ۲۲/۲ درصد از آن‌ها کمتر از ۵۰۰ هزار تومان، ۳۹/۵ درصد بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان، ۳۴ درصد بین ۱ تا ۲ میلیون تومان و ۴/۳ درصد بیش از ۲ میلیون تومان درآمد دارند. بررسی داده‌های به‌دست‌آمده در نوع مالکیت بنا حاکی از آن است که بیشترین سهم مربوط به مالکیت شخصی است؛ به‌طوری‌که ۶۷/۹ درصد به آن تعلق پیدا کرده و ۳۲/۱ درصد را مالکان غیرشخصی تشکیل می‌دهند.

بررسی وضعیت احساس تعلق مکانی و سبک معماری در منطقه مورد مطالعه

به‌منظور تعیین نوع آزمون‌ها، در قدم اول لازم است که نرمال بودن داده‌ها مورد سنجش قرار گیرد. برای

در این قسمت، هر شاخص و متغیر براساس مقدار حد وسط، یعنی ۳ با استفاده از آزمون مقایسه میانگین در یک گروه مورد تحلیل قرار گرفته‌است. هدف از انجام این آزمون پاسخ به این سؤال است که آیا سبک معماری در روستاهای مورد مطالعه، وضعیت مناسبی دارد یا خیر.

سنجش نرمال بودن شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش از آزمون آماری کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده‌است که نتایج به‌دست آمده نشان داد در همه شاخص‌ها با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، فرضیه پژوهش، مبنی بر نرمال بودن داده‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد و در ادامه امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود دارد.

جدول ۳. محاسبه آزمون *T-Test* در هریک از شاخص‌های پژوهش

نام متغیر	شاخص‌ها	آماره T	میانگین	سطح معناداری	مقایسه میانگین‌ها در سطح اطمینان ۰/۹۵	
					سطح پایین	سطح بالا
احساس تعلق مکانی	عوامل ادراکی و شناختی فرد	۱۰۲/۳۹	۳/۶۰	۰/۰۰	۳/۵۳	۳/۶۷
	عوامل محیطی-کالبدی	۸۵/۸۵	۳/۷۵	۰/۰۰	۳/۶۶	۳/۸۴
	عوامل اجتماعی	۷۳/۵۷	۳/۶۵	۰/۰۰	۳/۵۶	۳/۷۵
سبک معماری	آسایش اقلیمی	۸۵/۶۳	۳/۵۳	۰/۰۰	۳/۴۵	۳/۶۱
	ایمنی و امنیت	۱۰۷/۴۶	۳/۸۳	۰/۰۰	۳/۷۶	۳/۹۰
	سازگاری و انطباق	۱۰۹/۷۱	۳/۸۵	۰/۰۰	۳/۶۸	۳/۸۲
	سازماندهی فضایی	۷۰/۵۱	۳/۶۹	۰/۰۰	۳/۵۹	۳/۷۹
	زیبایی‌شناختی	۱۰۸/۱۸	۳/۶۲	۰/۰۰	۳/۵۵	۳/۶۸
	معماری و ساخت درونی	۸۷/۰۷	۳/۸۸	۰/۰۰	۳/۷۹	۳/۹۷
	اجزای تشکیل‌دهنده بنا	۹۲/۲۸	۳/۵۲	۰/۰۰	۳/۴۵	۳/۶۰
	کیفیت مسکن	۵۰/۰۷	۳/۳۸	۰/۰۰	۳/۲۴	۳/۵۱
	نیازهای انسانی	۶۳/۲۴	۳/۱۹	۰/۰۰	۳/۰۹	۳/۲۹
	کیفیت عملکردی	۷۳/۷۹	۳/۸۹	۰/۰۰	۳/۷۸	۳/۹۹
	اعتقادات و عقاید	۵۸/۱۶	۳/۶۰	۰/۰۰	۳/۴۸	۳/۷۳
	وابسته (احساس تعلق مکانی)	۱۱۱/۱۹	۳/۶۶	۰/۰۰	۳/۶۰	۳/۷۳
	کلی	مستقل (سبک معماری)	۲۱۲/۶۴	۳/۶۳	۰/۰۰	۳/۶۱

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹)

سطح معناداری همه شاخص‌ها که کمتر از ۰/۰۵ هستند و با میانگین به‌دست آمده بالاتر از سطح متوسط ۳، فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیرگذاری سبک معماری روستایی بر احساس تعلق مکانی است. همچنین مقایسه میانگین‌ها در سطح اطمینان ۰/۹۵ بیانگر آن است که میانگین‌های شاخص‌های مورد مطالعه از حد متوسط ۳ (براساس طیف لیکرت) بالاتر است. در ادامه در جهت تحلیل متغیرهای

در «ج» ۴ محاسبه آزمون T در بین شاخص‌های ۱۴ گانه در دو متغیر مستقل (سبک معماری) و وابسته (احساس تعلق مکانی) نشان داد که به دلیل برقراری ارتباط معنادار بین شاخص و مکان در روان‌شناسی، به‌عنوان عامل دل‌بستگی به مکان یا تعلق به مکان شناخته شده‌است که یک حس عاطفی بین فرد و محل زندگی او برقرار می‌شود و نوعی احساس امنیت و اعتماد را فراهم می‌کند؛ به‌همین ترتیب با توجه به

روش رگرسیون خطی استفاده شده است (۵). در این روش متغیری که بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد، ابتدا وارد مدل می‌شود و متغیرهای دیگر دوباره برای ورود به مدل مورد بررسی قرار می‌گیرند. پس از بررسی فرضیات رگرسیون و اعتبار آن‌ها، رگرسیون با همه داده‌ها انجام شد و نتایج به صورت زیر به دست آمد. اطلاعات به دست آمده از جدول زیر نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بینی قوی بوده و آزمون F برابر با ۴/۷۸ با سطح معناداری ۰/۰۰ اثرگذاری متغیرها با ۹۹ درصد اطمینان و خطای کمتر از ۰/۰۰۵ معنادار است. براساس جدول زیر مشخص می‌شود که میزان اثرگذاری در بین روستاها متفاوت بوده که ناشی از تغییرات سبک معماری بنا در سال‌های اخیر بوده است و عمدتاً روستاهایی که از حالت سنتی و بومی به سمت سبک‌های شهری تغییر پیدا کرده‌اند، اثر کمتری بر حس تعلق مکانی داشته‌اند و برعکس روستاهایی که هویت اولیه خود را حفظ کرده‌اند، در افزایش حس تعلق ساکنان تأثیر بالایی داشته‌اند.

پژوهش با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای مطابق با جدول زیر و براساس سطح معناداری و کرانه‌های پایین و بالا، مشخص شد که میزان Sig کمتر از ۰/۰۰۵ همچنین میزان کرانه‌های بالا و پایین به دست آمده در هر کدام از شاخص‌ها نتیجه‌گیری می‌شود. میانگین شاخص‌های پژوهش از سطح متوسط ۳ بالاتر است.

به طور متوسط میانگین پاسخ جامعه به متغیرهای مربوط به احساس تعلق مکانی و سبک معماری بالاتر از ۳ است که نشان می‌دهد درصد زیادی از پاسخگویان، گزینه‌های بالای میانگین (۳) را انتخاب کرده‌اند. همچنین با توجه به سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵، می‌توان گفت که تفاوت معناداری بین متغیرها و شاخص‌های تحقیق از نظر سبک معماری و احساس تعلق مکانی وجود ندارد.

تحلیل فضایی اثرگذاری سبک معماری بر احساس تعلق مکانی در روستاهای مورد مطالعه

در ادامه پژوهش برای تعیین سهم نسبی ابعاد متغیر مستقل (سبک معماری روستایی) در متغیر وابسته از

جدول ۴. جدول آنوا

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	شرح
۰/۰۰	۴/۷۸	۰/۷۸	۱۴	۱۰/۹۵	میانگین گروهی
		۰/۲۰	۱۲۷	۲۶/۲۶	درون گروهی
			۱۴۱	۳۷/۲۱	کل

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹)

جدول ۵. تحلیل فضایی بررسی اثرگذاری سبک معماری بر ارتقای حس تعلق مکانی به تفکیک روستاها

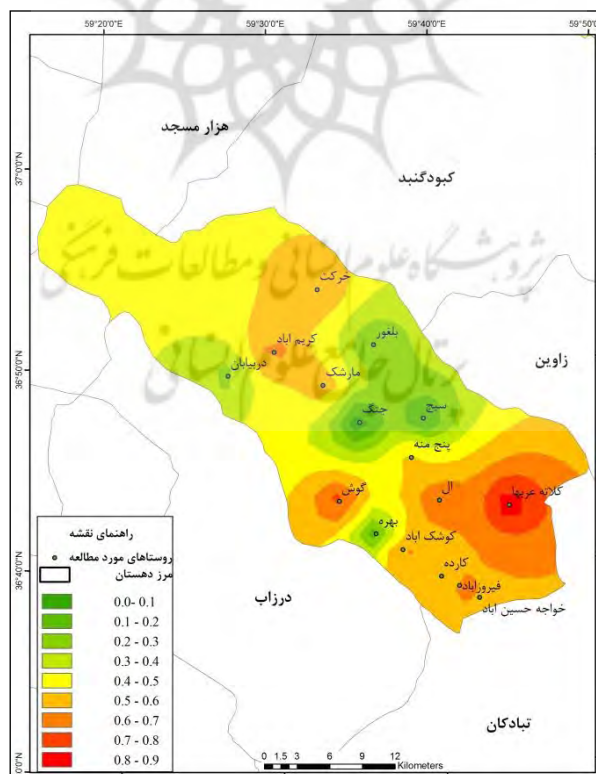
نام روستا	ضریب رگرسیونی (R)	T	F	سطح معناداری
خرکت	۰/۶۰	۰/۵۶	۲/۵۰	۰/۰۵
دربیبان	۰/۲۷	۲/۵۰	۰/۶۳	۰/۴۴
کریم‌آباد	۰/۶۴	۱۰/۲۴	۵/۰۸	۰/۰۵۹
بلغور	-۰/۲۱۶۰.۷	۶/۹۵	۰/۶۳	۰/۴۴
سیج	۰/۰۷۵	۴/۵۸	۳/۴۰	۰/۰۳
آل	۰/۷۰	۶/۲۴	۲/۴۷	۰/۰۱۵
کلاته عرب‌ها	۰/۸۵	۳/۱۴	۲۱/۳۴	۰/۰۰۲
بهره	۰/۱۳	۰/۳۷۷	۰/۱۳	۰/۷۲۲

کارده	۰/۵۳۳	۵/۰۷	۴/۳۹	۰/۰۶۲
کوشک‌آباد	۰/۶۳	۲/۷۸	۵/۱۴۰	۰/۰۴۹
خواجه حسین‌آباد	۰/۵۹	۱۳/۲۲	۴/۴۶	۰/۰۶
فیروز‌آباد	۰/۶۳	۴/۸۶	۵/۳۰	۰/۰۵۵
جنگ	۰/۰۲۱	۰/۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۹۵
گوش	۰/۷۴	۱/۳۵	۱۰/۲۱	۰/۰۱۳
مارشک	۰/۵۸	۰/۹۰	۶/۱۳	۰/۰۲۹
کل	۰/۵۳۳	۲/۵۵۶	۰/۱۹۸	۰/۲۴۱

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹)

ضریب رگرسیونی یا مقدار بتای استاندارد مشخص شد که بیشترین میزان پیش‌بینی متغیر مستقل بر وابسته، به ترتیب در روستاهای کلاته‌عرب‌ها (۸۵ درصد)، گوش (۷۴ درصد)، آل (۷۰ درصد) و کریم‌آباد (۶۴ درصد) تعلق پیدا کرده‌است. به این ترتیب می‌توان گفت که متغیر مستقل (سبک معماری) به خوبی توانسته است بر متغیر وابسته تأثیر بگذارد.

در ادامه به منظور بررسی تأثیرگذاری متغیر مستقل بر وابسته به تفکیک روستاهای مورد مطالعه، از آزمون رگرسیون خطی استفاده شد (۶). نتایج حاصل نشان می‌دهد که سطح معناداری در روستاهای خرکت، کریم‌آباد، سیج، آل، کلاته‌عرب‌ها، کارده، کوشک‌آباد، خواجه حسین‌آباد، فیروز‌آباد، گوش و مارشک با خطای ۹۵ درصد اطمینان، کمتر از ۰/۰۵ است، نشان از تأثیر متغیر مستقل بر وابسته است. همچنین براساس



شکل ۳. تحلیل فضایی اثرگذاری سبک معماری بر احساس تعلق مکانی در روستاهای مورد مطالعه

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰)

رضایتمندی سکونتی ساکنان، به بررسی فرضیه تحقیق در همین رابطه با استفاده از مدل معادلات تحلیل ساختاری پرداخته شده است.

برازش مدل: برازش مدل‌های اندازه‌گیری شامل بررسی پایایی و روایی سازه‌های پژوهش است. پایایی آزمون به دقت اندازه‌گیری و ثبات آن مربوط است. فورنل و لارکر برای بررسی پایایی سازه‌ها سه ملاک را پیشنهاد می‌کنند: الف) پایایی هر یک از گویه‌ها، ب) پایایی ترکیبی هر یک از سازه‌ها و ج) میانگین واریانس استخراج شده. مطابق با الگوریتم تحلیل مدل‌ها در روش، PLS-SEM برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده و نتایج زیر حاصل شده است.

مدل سازی ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی
به منظور اعتباریابی روابط علی غیرآزمایشی بین متغیرها در قالب تجزیه و تحلیل چندمتغیره، تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) به روش حداقل مربعات جزئی (PLS) به کار گرفته شد. مدل ساختاری پژوهش در نرم افزار SmartPLS مدل سازی شد؛ در این نوع مدل سازی نیز همزمان دو مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ مدل بیرونی (اندازه‌گیری) که ارتباط متغیرهای آشکار با متغیرهای پنهان را بررسی می‌کند و مدل درونی (ساختاری) که ارتباط متغیرهای پنهان با یکدیگر را اندازه‌گیری می‌کند (Wang et al, 2004). با توجه به نقش و اهمیت قابل ملاحظه سبک معماری منازل روستایی بر افزایش یا کاهش احساس تعلق مکانی، در محدوده مورد مطالعه، به عنوان یکی از اصول مورد توجه بر

جدول ۶. شاخص روایی همگرا، پایایی و آمار توصیفی مؤلفه‌های پژوهش

متغیرهای پنهان	معیار AVE (روایی همگرا)	آلفای کرونباخ	ضریب تعیین	پایایی ترکیبی	میانگین شاخص‌ها
آسایش اقلیمی	۰/۴۱	۰/۶۴	۰/۷۰	۰/۷۷	۳/۵۳
اجزای تشکیل دهنده بنا	۰/۵۵	۰/۴۰	۰/۳۰	۰/۶۷	۳/۴۱
عوامل ادراکی و شناختی فرد	۰/۳۹	۰/۵۲	۰/۷۴	۰/۷۰	۳/۵۷
اعتقادات و عقاید	۰/۵۳	۰/۱۴	۰/۰۰	۰/۶۸	۳/۵۸
ایمنی و امنیت	۰/۳۷	۰/۷۰	۰/۵۱	۰/۷۸	۳/۸۵
زیبایی شناختی	۰/۷۹	۰/۷۴	۰/۳۲	۰/۸۸	۳/۵۶
سازگاری و انطباق	۰/۴۱	۰/۴۹	۰/۴۴	۰/۷۱	۳/۷۲
عوامل اجتماعی	۰/۳۱	۰/۳۰	۰/۵۴	۰/۶۳	۳/۶۵
معماری و ساخت درونی	۰/۶۱	۰/۶۸	۰/۱۶	۰/۷۲	۳/۹۴
عوامل محیطی-کالبدی	۰/۴۰	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۷۲	۳/۷۶
نیازهای انسانی	۰/۴۸	۰/۴۴	۰/۲۳	۰/۷۳	۲/۷۴
کیفیت مسکن	۰/۴۳	۰/۳۵	۰/۲۳	۰/۶۹	۳/۵۰

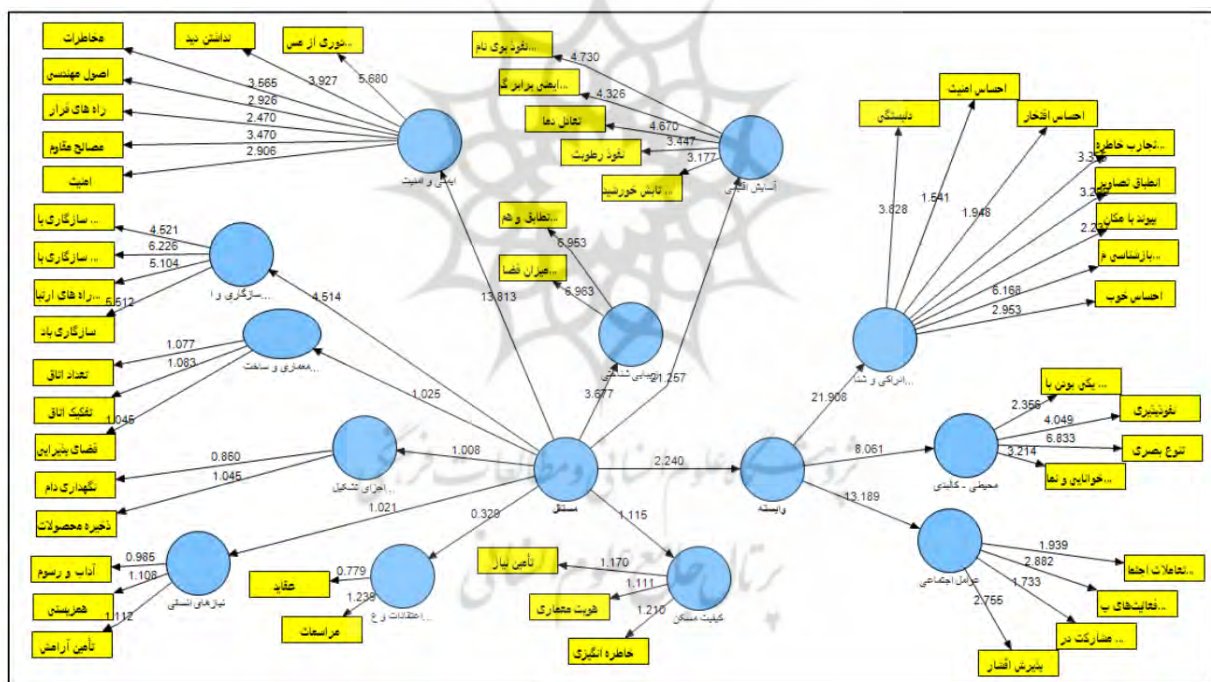
(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹)

نیکویی برازش مدل را نشان می‌دهد. آلفای کرونباخ میزان بارگیری همزمان متغیرهای مکنون یا سازه را

جدول ۷ شاخص‌های روایی همگرا، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) میانگین پاسخ‌ها و شاخص

روایی همگرا نیز در این تحقیق استفاده شده است. روایی همگرا به این معناست که نشانگرهای هر سازه، تفکیک مناسبی را به لحاظ اندازه‌گیری نسبت به سازه‌های دیگر مدل فراهم آورند. به عبارت ساده‌تر، هر نشانگر فقط سازه خود را اندازه‌گیری کند و ترکیب آن‌ها به گونه‌ای باشد که همه سازه‌ها به خوبی از یکدیگر تفکیک شوند. با کمک شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مشخص شد که همه سازه‌های مورد مطالعه (غیر از عوامل اجتماعی که ۰/۳۱ است) دارای میانگین واریانس استخراج شده بالاتر از ۰/۴ هستند.

در زمان افزایش یک متغیر آشکار اندازه‌گیری می‌کند و پایایی ترکیبی، نسبت مجموع بارهای عاملی متغیرهای مکنون به مجموع بارهای عاملی به علاوه واریانس خطا است. مقادیر آلفای کرونباخ در شاخص‌ها معنادار است، به طوری که در شاخص‌های آسایش اقلیمی، اجزای تشکیل دهنده بنا، عوامل ادراکی و شناختی فرد، ایمنی و امنیت، زیبایی‌شناختی، سازگاری و انطباق، معماری و ساخت درونی، عوامل محیطی-کالبدی و نیازهای انسانی بالاتر از ۰/۴۰ و در سایر شاخص‌ها (غیر از اعتقادات و عقاید) بالاتر از ۰/۳۰ به دست آمده که نشان‌دهنده پایایی بالای پرسشنامه است.



شکل ۴. مقادیر t-values برای ارزیابی بخش ساختاری مدل پژوهش

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹)

سازگاری و انطباق با مقدار ۰/۴۲ هستند. در بُعد اجزای تشکیل دهنده بنا بیشترین همبستگی را با کیفیت مسکن با مقدار ۰/۶۰، بُعد عوامل ادراکی و شناختی فرد بیشترین همبستگی را با عوامل اجتماعی

همچنین ضرایب همبستگی در سطح خطای ۵ درصد مثبت و معنادار هستند. در بین ابعاد آسایش اقلیمی دارای بیشترین همبستگی با ابعاد ایمنی و امنیت با مقدار ۰/۶۳، اجزای تشکیل دهنده بنا با مقدار ۰/۴۳ و

سازه‌های درون‌زا (وابسته) مدل محاسبه می‌شود و برای سازه‌های برون‌زا مقدار این معیار صفر است. براساس پاره‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده، سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۶ را به‌عنوان ملاکی برای ضعیف، متوسط و قوی بودن مقدار آن مدل و برازش بهتر معرفی می‌کنند. با توجه به اینکه مقدار R2 برای سازه‌های آسایش اقلیمی و عوامل ادراکی و شناختی فرد بیشتر از ۰/۷۰ است، برازش مدل در این ۲ سازه در درجه قوی قرار گرفته‌است. همچنین در سازه‌های عوامل زیبایی‌شناختی، ایمنی و امنیت، سازگاری و انطباق، عوامل اجتماعی و محیطی کالبدی که بین ۰/۳۳ تا ۰/۶۶ است، مقدار R2 متوسط و در سایر سازه‌ها (۵ مورد) که کمتر از ۰/۳۳ هستند، مقدار R2 ضعیف است.

با مقدار ۰/۵۰ دارد. بُعد اعتقادات و عقاید بیشترین همبستگی را با ابعاد سازگاری و انطباق با مقدار ۰/۷۴، عوامل اجتماعی با مقدار ۰/۹۲ و معماری و ساخت درونی با مقدار ۰/۶۹ دارد. در بُعد ایمنی و بهداشت نیز بیشترین همبستگی با سازگاری و انطباق با مقدار ۰/۳۷ است. در بُعد زیبایی‌شناختی بیش‌ترین مقدار همبستگی با سازگاری و انطباق با مقدار ۰/۳۶ است. در بُعد سازگاری و انطباق نیز بیشترین مقدار همبستگی با معماری و ساخت درونی با مقدار ۰/۴۰ است. در بُعد عوامل اجتماعی بیشترین مقدار همبستگی با کیفیت مسکن با مقدار ۰/۴۰ بوده‌است. در بُعد معماری و ساخت درونی بیشترین مقدار همبستگی با عوامل محیطی کالبدی با مقدار ۰/۶۵ به‌دست آمده‌است. در بُعد عوامل محیطی کالبدی بیشترین مقدار همبستگی با نیازهای انسانی با مقدار ۰/۶۹ به‌دست آمده‌است و در نهایت میزان همبستگی بین ابعاد نیازهای انسانی و کیفیت مسکن ۰/۳۴ به‌دست آمده‌است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ارتباط همبستگی اعتقادات و عقاید با ابعاد دیگر به مراتب بیشتر از ارتباط اثرات با سایر اثرات است. مطابق با شکل ۴، همه مقادیر بارهای عاملی در سطح ۹۵ درصد اطمینان بالای ۱/۹۶ و معنادار هستند؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که روایی متغیرهای آسایش اقلیمی، ایمنی و امنیت، زیبایی‌شناختی و سازگاری و انطباق مناسب و رضایت‌بخش است و بر متغیر وابسته تأثیرگذار بوده‌اند.

معیار R Squares یا R2 دومین معیار ضروری برای بررسی برازش مدل ساختاری، بررسی ضرایب تعیین (R2) مربوط به متغیرهای مکنون درون‌زای (وابسته) مدل است. این معیار برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار رفته و بیانگر تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا است. همچنین مقادیر R2 در داخل دایره‌های آبی مدل نشان داده شده و تنها برای

معناداری ۱/۹۶ است؛ به این معنا که اگر در ضریب معناداری Z مقدار رابطه از ۱/۹۶ بیشتر باشد، فرضیه تأیید و اگر کمتر باشد، فرضیه رد خواهد شد. با توجه به مقدار به دست آمده برای شناخت معنادار بودن رابطه، مقدار T برای شاخص‌های آسایش اقلیمی، عوامل زیبایی‌شناختی، ایمنی و امنیت و سازگاری و انطباق بالاتر از ۱/۹۶ و شاخص‌های اجزای تشکیل‌دهنده بنا، اعتقادات و عقاید، معماری و ساخت درونی، نیازهای انسانی و کیفیت مسکن کمتر از ۱/۹۶ هستند («ج» ۷).

با توجه به مقادیر شدت ضریب ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ در روش حداقل مربع‌های جزئی به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF محاسبه شده‌اند که در اینجا مقدار ۰/۳۰ نسبتاً قوی را مورد تأیید قرار می‌دهد.

بحث و تحلیل

پس از بررسی برازش مدل‌های ساختاری، اندازه‌گیری و کلی، فرضیه پژوهش را مورد آزمون قرار می‌دهیم. در این بخش مبنای تأیید یا رد فرضیه براساس ضریب

جدول ۷. نتایج آزمون و فرضیات پژوهش

نوع متغیر	متغیرهای پنهان (اثرگذار)	ضریب اثر	متأثر	نتیجه
مستقل	آسایش اقلیمی	۲۱/۵۷	احساس تعلق مکانی	تأیید فرضیه
	اجزای تشکیل‌دهنده بنا	۱/۰۰۲		رد فرضیه
	اعتقادات و عقاید	۰/۳۸		رد فرضیه
	ایمنی و امنیت	۱۳/۸۱		تأیید فرضیه
	زیبایی‌شناختی	۳/۶۷		تأیید فرضیه
	سازگاری و انطباق	۴/۵۱		تأیید فرضیه
	معماری و ساخت درونی	۱/۰۲		رد فرضیه
	نیازهای انسانی	۱/۰۲		رد فرضیه
	کیفیت مسکن	۱/۱۱		رد فرضیه

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سبک معماری و متغیرهای عینی و ذهنی آن نشان می‌دهند که این عامل در تعلق مکانی تأثیرگذار است. از آنجاکه سکونتگاه‌های کشور از نظر زیبایی چشم‌اندازهای طبیعی و انسان‌ساخت کمبودهایی دارند، توجه به این مسئله دارای اهمیت است. این امر در نواحی روستایی که محل اصلی ساکنان غیرشهری است و هرکدام از نظر ویژگی‌های کالبدی دارای ویژگی‌های خاص خود هستند، چشم‌انداز مطلوب‌تری از

دیگر سکونتگاه‌ها دارند و در نتیجه حس تعلق مکانی در آن‌ها بیشتر است.

در پژوهش حاضر به‌منظور بررسی تأثیر ویژگی‌های کالبدی روستایی و سبک معماری بر احساس تعلق مکانی، از آزمون‌های رگرسیون، تی‌تک‌نمونه‌ای و روش معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج به دست آمده براساس نتایج حاصل از آزمون تی مشخص شد که بین میانگین‌های تحقیق تفاوت معناداری وجود دارد و همه مقادیر میانگین بالاتر از سطح متوسط ۳ قرار گرفته‌اند.

گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر می شود. نتایج به دست آمده با یافته های نظریه بی سازمانی همخوانی دارد و نشان دهنده آن است که هرچقدر امکانات و کیفیت سکونتگاه ها در محیط های شهری بالاتر باشد، ساکنان آن سعی می کنند محله را حفظ کرده و کنترل اجتماعی بیشتر می شود. همچنین نتایج به دست آمده با نتایج تحقیق حیدری که بیان شد مهم ترین شاخصه های ایجاد حس تعلق به یک خانه از نظر استفاده کنندگان، عناصر کالبدی آن خانه است. عناصر کالبدی به طور مستقیم باعث ایجاد علاقه به خانه و همچنین دلیل انتخاب ساکنان خانه شده است. این عناصر شامل مواردی چون «شکل و اندازه عناصر»، «روابط و چیدمان فضایی» و نهایتاً «بافت و تزئینات» است، همخوانی دارد. در مقایسه این تحقیق با تحقیقات مشابه، بیان شده است که می توان مشابیهت هایی یافت، تحقیق حاضر مانند تحقیقات مشابه به این نتیجه رسیده که سبک معماری علاوه بر اثر مستقیم بر روی احساس تعلق مکانی ساکنان، به طور غیرمستقیم از طریق سرمایه اجتماعی نیز بر مشارکت حس تعلق تأثیر می گذارد. همان طور که عنابستانی و همکاران، طاهری و همکاران، کافی و فتحی و مظلومی در تحقیق خود، اثرگذاری عوامل مرتبط با معماری و محیط را بر تعلق مکانی مورد تأیید قرار دادند، نتایج به دست آمده از این پژوهش نیز بیان می دارد که عوامل مختلفی، از جمله: نوع اقلیم، وضعیت ظاهری، ایمنی بنا و سازگاری با محیط بر مؤلفه های حس تعلق اثر مثبت داشته است. همچنین دستاوردهای پژوهش از این نظر که کیفیت سبک بنا و محل زندگی روستائیان رضایتمندی و افزایش حس تعلق را به دنبال دارد، با پژوهش حیدری همسویی دارد.

در پایان پیشنهادهای زیر در جهت افزایش حس تعلق مکانی و اثرگذاری آن در سبک معماری پیشنهاد می شود:

همچنین در آزمون رگرسیون خطی مشخص شد که شاخص های آسایش اقلیمی، سازماندهی فضایی، معماری و ساخت درونی، اجزای تشکیل دهنده بنا و نیازهای انسانی با توجه به سطح معناداری به دست آمده (کمتر از ۰/۰۵) تأثیر مستقیم بر افزایش احساس تعلق مکانی داشته اند. همچنین این اثرگذاری در روستاهای حرکت، کریم آباد، سیج، آل، کلاته عرب ها، کارده، کوشک آباد، خواجه حسین آباد، فیروز آباد و گوش با توجه به مقدار T و سطح معناداری در شاخص های هدف بررسی تأیید شد. در مدل حداقل مربعات جزئی نیز به ترتیب مؤلفه های آسایش اقلیمی، ایمنی و امنیت، سازگاری و انطباق و زیبایی شناختی بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارند. در کل یافته های حاصل از تحلیل داده ها نشان می دهد که فرضیه «تأثیرگذاری شاخصه های سبک معماری و کالبدی به حس تعلق که در بهبود زندگی افراد در جامعه کمک می کند» معنادار است.

از این رو نتایج تحقیق را می توان با تحقیق های عنابستانی و همکاران با عنوان تأثیر سبک معماری خانه های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه های روستایی، طاهری و همکاران با عنوان تأثیر فضاهای عمومی در ایجاد حس تعلق به مکان، کافی و فتحی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر دلبستگی به محله مسکونی (مطالعه موردی: شهر کرمان)، مظلومی با عنوان تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله های مسکونی شهری، احمدی و مهدوی با عنوان رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای در حال توسعه، مطالعه موردی: شهرستان زرنديه همسویی و تطابق دارد. همچنین یزدانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که حس تعلق به مکان در مشارکت اجتماعی در پیشگیری از انحرافات اجتماعی مؤثر است و تلاش در جهت استحکام پیوندهای همسایگی و مشارکت، باعث کاهش

کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری گرایش: معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۸). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی: از فضا تا مکان، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات شهیدی، تهران.
تقوایی، علی‌اکبر؛ بهرام‌پور، مهدی؛ راد مهنوش، شاهین. (۱۳۸۸). بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه، فصلنامه آرمانشهر، دوره دوم، شماره ۲، صص ۱۱۲-۱۰۵.

<http://www.armanshahjournal.com/>

جوادی، معصومه. (۱۳۸۹). تأثیر فضاهای مجازی بر حس تعلق به مکان در کلان‌شهر مشهد، پایان‌نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد، دانشگاه زابل.

جوان فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم. (۱۳۸۹). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، هویت شهر، سال پنجم، شماره ۸، صص ۳۷-۲۷.

http://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_1146.html/

حیدری ترکمانی، مینا. (۱۳۹۶). واکاوی ابعاد حس تعلق در محله‌های تاریخی با رویکرد تصاویر ذهنی (نمونه موردی: محله شتربان تبریز)، پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته معماری، دانشگاه هنر تبریز.

حیدری، علی؛ مطلبی، قاسم؛ نگین تاجی، فروغ. (۱۳۹۳). تحلیل بُعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره نوزدهم، شماره ۳، صص ۸۶-۷۵.

<https://jfaup.ut.ac.ir>

خسروشاهی، الناز؛ بلیان اصل، لیدا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر نقش «عوامل کالبدی» در «حس تعلق» به مکان، کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری و عمران شهری، تهران.

<https://civilica.com/doc/410236/>

رضایی، معصومه؛ عارفی‌مقدم، ویکتور؛ فرشچیان، امیرحسین. (۱۳۹۵). رنگ و تأثیر آن بر هم‌افزایی حس تعلق مکان در فضاسازی مکان معماری اسلامی، مطالعات هنر و علوم انسانی، سال دوم، شماره ۱۰، صص ۴۳-۳۳.

<http://rahs.ir/>

رضوانی، محمدرضا؛ احدی، علی. (۱۳۸۸). مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال دهم، شماره ۶، صص ۶۸-۴۵.

- گسترش فرهنگ ارتباط جمعی در روستاها و تقویت احساس مسئولیت‌پذیری و به‌دنبال آن، افزایش حس تعلق اجتماعی در ساکنان روستایی؛
- بهبود کیفیت ارائه خدمات عمومی روستایی به‌منظور افزایش احساس تعلق به مکان؛
- مرمت و بازسازی بناهای آسیب‌دیده سکونتگاه‌ها متناسب با بافت سنتی و تاریخی روستا و استفاده از معماران بومی و تخصیص کمک‌های نقدی و غیرنقدی در این زمینه؛
- افزایش دانش و آگاهی مردمی به‌منظور حفظ و نگهداری از بافت موجود روستایی.

منابع

احمدی، علی؛ مهدوی، مسعود. (۱۳۹۶). رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای درحال توسعه، مطالعه موردی: شهرستان زرنده، پژوهش‌های روستایی، دوره پنجم، شماره ۴، صص ۸۴۸-۸۲۷.

<https://jrur.ut.ac.ir/>

احمدی، فرزانه؛ افشار، علی؛ آقالطیفی، آزاده. (۱۳۹۳). عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرایند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم حضرت امام رضا^(ع) محله نوغان، هفت‌شهر، دوره چهارم، شماره ۴۷، صص ۸۵-۷۰.

http://www.haftshahrjournal.ir/article_14675.html/

اسکتی، هانیه. (۱۳۹۶). بررسی و ارزیابی اثرات حس تعلق مکانی بر بازساخت فضایی-کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان نه، شهرستان نهبندان)، پایان‌نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

امامی، علی؛ بازدار، مهنوش؛ صفری، ملیحه؛ فرحناکی، رامونا. (۱۳۹۶). تعیین رابطه حس تعلق و شاخصه‌های اجتماعی آن، نمونه موردی: روستای زیارت در گلستان، معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره دهم، شماره ۲۱، صص ۲۱-۱۱.

http://www.armanshahjournal.com/article_58551.html/

ایوبی، مهدی. (۱۳۹۴). طراحی باغ موزه مشاهیر شیراز با رویکرد ایجاد حس مکان، پایان‌نامه تحصیلی برای دریافت درجه

عنابستانی، علی‌اکبر؛ کاویانی، سمیرا؛ جوانشیری، مهدی. (۱۳۹۶). تحلیل فضایی میزان رضایتمندی از سبک معماری رایج در احداث خانه‌های دوم روستایی در شهرستان کلاردشت، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۵۵-۱۳۵.

<http://gps.gu.ac.ir/>

فلاحی، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، مجله هنرهای زیبا، دوره اول، شماره ۲۶، صص ۶۶-۵۷.

<https://jfaup.ut.ac.ir/>

قادرمرزی، حامد. (۱۳۹۲). گسترش فضایی شهر و تغییر کاربری زمین در روستاهای پیرامونی شهرسندج؛ طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۵۵، فصلنامه مطالعات شهری، دوره اول، شماره ۱، صص ۷۶-۶۱. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، سالنامه آماری استان مرکزی.

مشکینی، ابوالفضل؛ قاسمی، اکرم؛ حمزه نژاد، معصومه. (۱۳۹۳). ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)، فصلنامه فضای جغرافیایی، دوره چهاردهم، شماره ۴۸، صص ۵۶-۴۱.

<http://geographical-space.iau-ahar.ac.ir/>

مطلبی، قاسم. (۱۳۸۵). بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری، مجله هنرهای زیبا، دوره بیست و پنجم، شماره ۲۵، صص ۶۷-۵۲.

<https://jfaup.ut.ac.ir/>

مظلومی، مازیار. (۱۳۸۹). تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله‌های مسکونی شهری، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۵۰-۱۳۱.

<http://jupm.miau.ac.ir/>

معصومی، مسیح‌الله؛ طالقانی، مرتضی. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق به مکان با تأکید بر محیط کالبدی، کنفرانس بین‌المللی معماری و شهرسازی، تهران.

ملکی، محمدرضا؛ پارسا، سپیده؛ وثیق، بهزاد؛ مرادی، ابراهیم. (۱۳۹۳). بررسی حس تعلق به مکان با توجه به تفاوت‌های جنسیتی (مطالعه موردی: شهر ایلام)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره سی و سوم، شماره ۱۴۸، صص ۱۰۷-۹۸.

<http://jhre.ir/>

<http://www.jicr.ir/>

زرگر، اکبر؛ سرتیپی پور، محسن؛ میری، سید حسن؛ شیخ طاهری، حامد. (۱۳۹۶). طراحی و شکل‌گیری خانه روستایی به‌روایت معماران قدیمی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان گرمسار)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره سی و هشتم، شماره ۱۵۸، صص ۱۹-۱.

<http://jhre.ir/>

سرتیپی پور، محسن؛ اسدی، سعیده. (۱۳۹۷). نقش تعلق مکانی بر تاب‌آوری اجتماعی ناشی از جابه‌جایی سکونتگاه، مطالعه موردی: روستای داهوئیه، زلزله ۱۳۸۳ زرنده، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره سی و هفتم، شماره ۱۶۱، صص ۱۶-۳.

<http://jhre.ir/>

سرمست، بحرام؛ متوسلی، محمدمهدی. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران)، دوره هشتم، شماره ۲۶، صص ۱۴۶-۱۳۳.

<http://geographical-space.iau-ahar.ac.ir/>

سلیمانی، میثم. (۱۳۸۷). زمین و معماری پایدار، فصلنامه معماری و فرهنگ، دوره اول، شماره ۳، صص ۳۳-۳.

<http://iran-cultural-studies.com/index.php?route=product/category&path=157/>

شمس‌الدینی، علی. (۱۳۸۷). جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی-فضایی روستاها از محیط‌های شهری، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره بیست و هفتم، شماره ۱۲۴، صص ۵۱-۴۰.

<http://jhre.ir/>

عباسی اسفنجانی، حسین. (۱۳۹۶). طراحی الگوی تجاری سازی تحقیقات دانشگاهی با روش مدل سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی (SEM-PL)، پژوهشنامه بازرگانی، دوره اول، شماره ۸۲، صص ۶۵-۳۳.

عنابستانی، علی‌اکبر؛ آمار، تیمور؛ کاویانی، سمیرا. (۱۳۹۵). تأثیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۵۲-۳۲.

<http://jshsp.iaurasht.ac.ir/>

- Individuals with Depression. Archives of Psychiatric Nursing, 19(1), 18-29.
DOI: 10.1016/j.apnu.2004.11.003.
- Cuthbert, R., Alexander. (2006). The Form of Cities, Blackwell publishing, Australasia.
- Gustafson, P. (2009), Mobility and territorial belonging. Environment and Behavior, 41, 490e508.
<https://doi.org/10.1177/0013916508314478/>
- Hamilton, D. L., Sherman, S. J., & Castelli, L. (2002), A group by any other name e the role of entitativity in group perception. European Review of Social Psychology, 12, 139e166.
DOI: 10.1080/14792772143000049
- Knox, P, Pinch, S. (2000), Urban Social Geography: An Introduction, Prentice Hall, Harlow.
- Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. Journal of environmental psychology, 28(3), 209-231.
<https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2008.02.001/>
- Manzo, L. C., & Perkins, D. D. (2006). Finding common ground: The importance of place attachment to community participation and planning. Journal of planning literature, 20(4), 335-350.
<https://doi.org/10.1177/0885412205286160/>
- Payton, M. A. (2003). Influence of place attachment and social capital on civic action: A study at Sherburne National Wildlife Refuge (Doctoral dissertation, University of Minnesota).
<https://doi.org/10.1080/08941920590947940/>
- Roncato, S., & Casco, C. (2006). Illusory boundary interpolation from local association field. Spatial vision, 19(6), 581-603.
DOI: 10.1163/156856806779194008.
- Semken Steven, Carol Butler Freeman. (2008), Sense of Place in the Practice and Assessment of Place-Based Science Teaching, published 27 March 2008 in Wiley Inter Science, (www.interscience.wiley.com).
<https://doi.org/10.1002/sce.20279>.
- Shamai, S. (1991), Sense of place: An empirical measurement. Geoforum, 22, pp.347-358.
[https://doi.org/10.1016/0016-7185\(91\)90017-K](https://doi.org/10.1016/0016-7185(91)90017-K).
- میرغلامی، مرتضی؛ آیشم، معصومه. (۱۳۹۵). مدل مفهومی ارزیابی حس مکان براساس مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی (مطالعه موردی: خیابان امام ارومیه)، فصلنامه مطالعات شهری، دوره پنجم، شماره ۱۹، صص ۶۹-۷۳.
<http://urbstudies.uok.ac.ir/>
- نادی، ریحانه. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل مؤثر در ارتقای حس تعلق به مکان محله آبکوه، پایان‌نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده هنر و معماری، تهران.
- ناظر، الهام. (۱۳۹۲). معماری پایدار در فضاهای آموزشی با تأکید بر ویژگی‌های معماری بومی در اقلیم گرم و خشک، مجموعه مقالات همایش معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان.
<https://civilica.com/doc/214147/>
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۵). معرفت و معنویت. ترجمه انشاءالله رحمتی، چاپ اول، تهران: سهروردی.
- نصیری، ماه منیر. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان، اولین کنفرانس پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، تهران.
<https://civilica.com/doc/544510/>
- Brocato, E. D. (2007). Place attachment: an investigation of environments and outcomes in a service context.
<http://hdl.handle.net/10106/244/>
- Brown, G., Brown, B., & Perkins, D. (2004). New Housing as Neighborhood Revitalization. Environment and Behavior, 36(6), 749-775.
<https://doi.org/10.1177/0013916503254823/>
- Cameron, M., & MacDougall, C. (2000). Crime Prevention through Sport and Physical Activity. Publication No. 165). Canberra: Australian Institute of Criminology.
https://www.researchgate.net/publication/253574731_Crime_Prevention_Through_Sport_and_Physical_Activity/
- Canter, D. (1977), The Psychology of Place. London: Architectural Press.
- Carmona, M. (2010). Public places, urban spaces: the dimensions of urban design. Routledge.
- Choenarom, C., Williams, R. A., & Hagerty, B. M. (2005). The Role of Sense of Belonging and Social Support on Stress and Depression in

telecommunication industry. Information systems frontiers, 6(4), 325-340.

Williams, D. R., Patterson, M. E., Roggenbuck, J. W., & Watson, A. E. (1992). Beyond the commodity metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place. Leisure sciences, 14(1), 29-46.

<https://doi.org/10.1080/01490409209513155/>

Uzzell, D., Pol, E., & Badenas, D. (2002), Place identification, social cohesion, and environmental sustainability. Environment and Behavior, 34, 26e53.

<https://doi.org/10.1177/0013916502034001003/>

Wang, Y., Lo, H. P., & Yang, Y. (2004). An integrated framework for service quality, customer value, satisfaction: Evidence from China's



